

## رویکرد تحلیلی بر آثار اندره گدار در ایران (با ذکر سه نمونه موردی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵

کد مقاله: ۲۷۹۴۳

مه‌ا شجاعی\*<sup>۱</sup>، مازیار سرداری<sup>۲</sup>

### چکیده

اندره گدار (André Godard)، معمار، باستان‌شناس و مورخ هنر فرانسوی، نقش مهمی در احیای معماری ایرانی در دوره پهلوی داشت. او به‌عنوان مدیرکل اداره باستان‌شناسی ایران (۱۹۶۰-۱۹۲۸) و طراح بسیاری از ساختمان‌های مهم دولتی و فرهنگی، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری معماری مدرن ایران گذاشت. بررسی چگونگی ترکیب عناصر سنتی و مدرن در آثار او و ارزیابی تأثیرات این ترکیب بر تحولات فرهنگی و اجتماعی دوران پهلوی، موضوعی است که این مقاله سعی دارد تا با روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی به تبیین مبانی نظری به بررسی آثار و ویژگی‌های معماری این معمار فرانسوی بپردازد. گدار در طراحی‌های خود به ترکیبی از اصول معماری سنتی ایرانی و نوآوری‌های مدرن غربی پایبند بود. او تلاش کرد معماری معاصر ایران را با استفاده از عناصر بومی احیا و به آن هویتی نوین بدهد. آثار او نه‌تنها بیانگر احترام به میراث فرهنگی ایران است، بلکه تأکیدی بر نوآوری و سازگاری با نیازهای معماری مدرن دارد. این پژوهش به بررسی آثار گدار در ایران می‌پردازد و تلاش می‌کند تا تأثیرات عمیق او بر معماری ایران را تحلیل کند. با این پژوهش، به درک بهتری از نحوه تعامل گدار با بستر فرهنگی و تاریخی ایران و نقش او در تحول معماری مدرن ایران خواهیم رسید.

واژگان کلیدی: معماری، اندره گدار، تهران، موزه ایران باستان

۱- دانشجوی کارشناسی معماری داخلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۲- استاد مدعو گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

در دوره پهلوی، به‌ویژه در دوران سلطنت رضا شاه و محمدرضا شاه، معماری ایران تحت تأثیر معماران خارجی قرار گرفت. این تأثیرات به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ دولتی و فرهنگی به چشم می‌خورد و به توسعه و نوسازی معماری مدرن ایران کمک کرد. معماران خارجی با طراحی بناهایی که هم مدرن و هم با هویت ایرانی سازگار بود، نقشی کلیدی در تحول معماری ایران ایفا کردند. معمارانی همچون آندره گدار، آرتور میلر، ویل هیت، پیتر بربر، هنری بوین و بسیاری از معماران بزرگ دیگر با طراحی پروژه‌های بزرگ و نوسازی در ایران، تأثیرات عمیقی بر معماری مدرن کشور گذاشتند.

آندره گدار، معمار و باستان‌شناس برجسته فرانسوی، نقش بسیار مهمی در تحولات معماری ایران در دوران پهلوی ایفا کرد. گدار، با رویکردی که به‌طور همزمان هم به حفظ میراث فرهنگی و هم به نوآوری‌های مدرن توجه داشت، به طراحی بناهایی پرداخت که تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری هویت معمارانه تهران داشتند. او توانست با تلفیق مؤثر هنر و معماری سنتی ایرانی با عناصر مدرن غربی، ساختمان‌هایی خلق کند که نه تنها به‌خوبی نمایانگر فرهنگ و تاریخ ایران بودند، بلکه پاسخگوی نیازهای معاصر شهری نیز بودند. آثار گدار در تهران، از جمله موزه ایران باستان، دانشگاه تهران و کتابخانه ملی، به‌عنوان نمونه‌های برجسته‌ای از تلاش‌های او در این زمینه شناخته می‌شوند. طراحی موزه ایران باستان، به‌ویژه، به دلیل استفاده از فرم‌های معماری سنتی ایرانی همراه با اصول طراحی مدرن، به‌خوبی نمایانگر این استراتژی است. ساختمان دانشگاه تهران، که به‌ویژه در بخش‌های مختلف خود از الگوهای معماری سنتی بهره‌برداری کرده، تأثیرات عمیق گدار در ایجاد فضای آموزشی مدرن و فرهنگی را به تصویر می‌کشد. همچنین، کتابخانه ملی با طراحی منحصر به فرد خود، هم زیبایی‌شناسی سنتی و هم نیازهای مدرن را در بر دارد.

گدار به‌دنبال ترکیب اصول معماری سنتی ایرانی با روش‌های مدرن بود. او باور داشت که حفظ هویت فرهنگی و تاریخی از طریق استفاده هوشمندانه از عناصر سنتی می‌تواند با نیازهای معاصر همخوانی داشته باشد. این رویکرد در طراحی بناهایی مثل موزه ایران باستان و دانشگاه تهران به‌وضوح مشاهده می‌شود. در موزه ایران باستان، گدار از فرم‌های قوسی و پلان‌های معماری ایرانی استفاده کرد و در عین حال، به‌کارگیری مواد و تکنیک‌های مدرن، نمایانگر این ترکیب بود. (پیرنیا، ۱۳۷۳) جدول یک به معرفی برخی از آثار معروف آندره گدار در ایران می‌پردازد.

جدول ۱- معرفی برخی از آثار آندره گدار در ایران

توضیحات	سال اجرا	
موزه ایران باستان در تهران، نمونه‌ای برجسته از ترکیب هنر و معماری سنتی ایرانی با اصول مدرن است و به‌عنوان نماد معماری مدرن ایران و نمایش‌دهنده آثار باستانی کشور شناخته می‌شود.	۱۹۳۷ میلادی ۱۳۱۶ ه.ش	موزه ایران باستان
پردیس دانشگاه تهران با ترکیب الگوهای سنتی ایرانی و نیازهای مدرن آموزشی، به‌طور موفقیت‌آمیزی طراحی و اجرا شد.	۱۹۳۴ میلادی ۱۳۱۲ ه.ش	پردیس دانشگاه تهران
کتابخانه ملی ایران با طراحی آندره گدار، به‌خاطر ترکیب زیبایی‌شناسی سنتی و مدرن، به‌عنوان فضایی فرهنگی و علمی منحصر به فرد شناخته می‌شود.	۱۹۳۷ میلادی ۱۳۱۶ ه.ش	کتابخانه ملی ایران
گدار به‌عنوان باستان‌شناس و معمار، نقش کلیدی در این پروژه داشت و تلاش کرد تا اصالت تاریخی بنا را حفظ کرده و در عین حال از روش‌های مدرن برای مرمت استفاده کند.	۱۹۳۱ میلادی ۱۳۰۹ ه.ش	بازسازی تخت جمشید
او به‌عنوان مدیرکل اداره باستان‌شناسی، در این پروژه‌ها با استفاده از روش‌های مدرن و در عین حال احترام به اصول معماری سنتی، نقش مهمی ایفا کرد.	۱۹۴۰-۱۹۳۰ میلادی ۱۳۰۸-۱۳۱۸ ه.ش	بازسازی و مرمت مساجد تاریخی
پروژه بنای یادبود حافظ، که توسط آندره گدار طراحی شد، در سال ۱۹۳۵ به اتمام رسید. این بنا به‌عنوان یادبودی فرهنگی و ادبی، با ترکیب الگوهای سنتی ایرانی و اصول معماری مدرن طراحی شده است.	۱۹۳۵ میلادی ۱۳۱۳ ه.ش	بنای یادبود حافظ

در این مقاله قرار است به بررسی خط فکری آندره گدار پرداخت، همچنین تحلیل و ارزیابی تأثیرات طراحی‌های او بر معماری مدرن ایران و نحوه ترکیب اصول معماری سنتی ایرانی با تکنیک‌های مدرن در آثار گدار پرداخت و تلاش می‌شود، با بررسی تخصصی تر بر روی موزه ایران باستان در تهران، بنای یادبود حافظ در شیراز و همچنین موزه آذربایجان در تبریز نقش او در توسعه و تحول معماری شهری و فرهنگی ایران را در دوران پهلوی روشن شود.

## ۲- پیشینه پژوهش

معمار و باستان‌شناس فرانسوی، در دوران پهلوی نقش برجسته‌ای در تحول معماری ایران ایفا کرد. وی با ترکیب نوآوری‌های معماری مدرن با عناصر سنتی ایرانی، به طراحی بناهایی پرداخت که در عین حال که نمایانگر هویت فرهنگی ایران بودند، نیازهای معاصر را نیز برآورده می‌کردند. این پیشینه پژوهش، پایه‌گذار تحلیل‌های عمیق‌تری از آثار آندره گدار در تهران است و به بررسی

تأثیرات ترکیبی طراحی مدرن و سنتی او بر معماری معاصر ایران کمک می‌کند. با بررسی کتاب معماری اسلامی اثر استاد پیرنیا کتابی که به معماری اسلامی اشاره دارد و کتاب آندره گدار و معماری ایران به قلم حسن میرعرب که به تحلیل جامع آثار آندره گدار و تأثیرات آن بر معماری معاصر ایران پرداخته و شامل تحلیل‌های مفصل درباره پروژه‌های کلیدی او است. در کنار مقالاتی همچون آندره گدار: معمار و باستان‌شناس در ایران به نویسندگی الیاس محمدی که به بررسی فعالیت‌های آندره گدار در ایران و تأثیرات آن بر معماری مدرن پرداخته است و آندره گدار و معماری هویتی ایران از علی شریفی، مقاله‌ای که به تحلیل ترکیب عناصر سنتی و مدرن در آثار گدار و تأثیر آن‌ها بر هویت معماری ایران می‌پردازد. در نهایت، این تحقیق به درک بهتری از نقش آندره گدار در تحول معماری ایران و تعامل آن با ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی خواهد پرداخت.

### ۳- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر که به بررسی تأثیرات معماری آندره گدار در تهران می‌پردازد، مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است. ابتدا آثار معماری این معمار برجسته تحلیل شده و ویژگی‌های آنها شناسایی خواهد شد. در ادامه، تأثیر مکاتب معماری سنتی و مدرن بر این آثار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این پژوهش از روش کیفی-تطبیقی بهره می‌برد، که طی آن با تحلیل تطبیقی فرآیندها و رویکردهای مختلف، راهکارهای بهینه در طراحی معماری ارائه می‌شود. نتایج این تحقیق نیز کیفی خواهند بود، چرا که شاخص‌های تأثیرگذار بر طراحی‌های گدار و ویژگی‌های معماری بناهای وی از طریق مطالعات تطبیقی بررسی خواهند شد. افزون بر این، رویکرد دیگری که در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد، رویکرد تفسیری-تاریخی است. در این رویکرد، اطلاعات مربوط به معماری دوره پهلوی جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. این روش، که به تحلیل داده‌های مربوط به گذشته می‌پردازد، برای بررسی آثار گدار مناسب به نظر می‌رسد. جمع‌آوری داده‌ها در مرحله اول به صورت کتابخانه‌ای انجام می‌شود تا اطلاعات مرتبط با آندره گدار استخراج گردد. سپس در مرحله دوم، روش میدانی به کار گرفته می‌شود که شامل مشاهده، برداشت و عکاسی از برخی بناهای مهم گدار در ایران است. این بناها نمایانگر ترکیب معماری سنتی ایرانی و به‌ویژه گرایش‌های ملی‌گرایانه هستند و به واسطه روش میدانی تحلیل خواهند شد. در مجموع، این پژوهش با به‌کارگیری دو رویکرد تطبیقی و تفسیری-تاریخی و ترکیب روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی به تحلیل معماری آندره گدار و تأثیرات آن در بستر معماری ایران می‌پردازد.

### ۴- مبانی نظری

#### ۴-۱- نگاهی به معماری ایران در عصر پهلوی

در دوره قاجار، سبک‌های معماری مانند اصفهانی، نئوکلاسیک و تهرانی (ترکیبی از اصفهانی و نئوکلاسیک) پدیدار شدند. با ورود به دوران پهلوی اول، رویکردهای معماری جدیدی همچون سنتی، سنت‌گرایی، ملی و تلفیقی به عرصه ظهور رسیدند. از جمله مهم‌ترین سبک‌های نوین که در دوره پهلوی اول مطرح شد، سبک ملی بود. در این سبک، عناصر و نمادهای معماری ایران پیش از اسلام برجسته و به کار گرفته شدند. نظرات کارشناسان در مورد علل شکل‌گیری و ویژگی‌های این سبک دارای وجوه اشتراک و اختلافاتی است. کیانی در این خصوص بیان می‌کند: «نمونه شاخص معماری رضاشاهی که اندیشه‌های معماری آن دوره را نمایان می‌سازد، شیوه دوم از سبک ملی است. این سبک، با پشتوانه‌ای از معماری باستانی ایران و رویکردی تلفیقی و امروری، از اواسط دهه نخست پهلوی آغاز و پس از سال ۱۳۲۰ به پایان رسید.» (کیانی ۱۳۸۳: ۲۵۴)

در این سبک، توجه به معماری باستانی ایران همراه با تلاش برای تطبیق آن با نیازهای روز، به عنوان رویکردی نوآورانه مطرح شد که معماری پهلوی اول را از دوران‌های پیشین متمایز می‌کرد.

آیت‌اللهی به سه جریان اصلی در معماری دوران پهلوی اول اشاره می‌کند و این دوره را به دو بازه زمانی تقسیم می‌نماید: نخست از آغاز حکومت تا سال ۱۳۱۰ هجری شمسی و دوم از ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی. او می‌نویسد: «در این دوره، سه گرایش بزرگ در معماری قابل تشخیص است: معماری متکی بر دوران پیش از اسلام، معماری متکی به دوره اسلامی، و معماری تقلیدی از غرب.» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۳۰۹)

نکته قابل توجه آن است که باستان‌گرایی در معماری یا استفاده از عناصر معماری باستانی در تمامی این تقسیم‌بندی‌ها حضور دارد و بخش عمده‌ای از بناهای دولتی این دوران با تکیه بر این رویکرد ساخته شده‌اند. معماری این دوره، با تأکید بر ملی‌گرایی و الهام از آثار به جا مانده از دوره‌های هخامنشی و ساسانی، توجه ویژه‌ای به بازآفرینی عناصر باستانی نشان می‌دهد (کیانی، ۱۳۸۳). این تلفیق باستان‌گرایی با ایدئولوژی ملی‌گرایانه، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت معماری پهلوی اول ایفا کرد.

استفاده از عناصر باستانی در معماری دوره پهلوی اول، ضمن بازشناسی و بازسازی معماری باستانی، به ایجاد حس نوستالژی تاریخی و ساخت آثار یادمان‌گونه در این دوره انجامید. در این زمینه، مجموعه بناهای رضاشاهی در میدان مشق و باغ ملی، با

احداث برجسته‌ترین ساختمان یادمان‌گونه این مجموعه، یعنی کاخ شهربانی، به خوبی این احساس را منتقل کرد. به طور خاص، «این بنای باشکوه باعث شد که معماران دولتی و غیردولتی، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، از ستون‌ها، سرستون‌ها و دیگر عناصر معماری کاخ شهربانی در آثار خود، حتی اگر کوچک‌تر بودند، تقلید کنند» (کیانی، ۱۳۸۳: ۴۶). این روند تقلید و اقتباس از ویژگی‌های برجسته معماری کاخ شهربانی، نشان‌دهنده تأثیر عمیق و گسترده آن در جهت‌گیری‌های معماری معاصر ایران است، که به تداوم و تقویت پیوندهای فرهنگی و تاریخی با گذشته‌های دور کمک کرد.

#### ۴-۱-۱- معماری ملی‌گرایی

معماری ملی‌گرایی به تأکید بر ارزش‌ها، اصول و الگوهای معماری مرتبط با یک ملت خاص اشاره دارد. این نوع معماری بر پایه جوامع، فرهنگ‌ها، تاریخ و هویت ملی است و از عناصری مانند نمادها، الگوهای معماری باستانی، مصالح سنتی و المان‌های معماری سنتی بهره می‌برد. در واقع، معماری ملی‌گرایی تلاش می‌کند تا هویت و شناخت ملی را از طریق معماری به واقعیت بدل کند و باعث ارتقای ارتباطات اجتماعی و فرهنگی درون یک جامعه شود. ملی‌گرایی در دوره پهلوی اول به عنوان ایدئولوژی حاکم در ایران پدید آمد. این سبک با تمرکز بر چهار محور اصلی، یعنی وحدت ملی، باستان‌گرایی، دلبستگی به وطن، و تداوم سلطنت، عناصر و مولفه‌های درونی ملی‌گرایی شکل گرفت. (شجاعی، ۱۴۰۳) معماری ملی‌گرایی (Nationalist Architecture) به سبکی از معماری اشاره دارد که در آن تأکید بر هویت ملی، تاریخ و فرهنگ محلی به وضوح مشهود است. این سبک به ویژه در دوران‌های تاریخی مشخص و در پاسخ به تغییرات اجتماعی و سیاسی در کشورهای مختلف ظهور می‌کند. در جدول دو، توضیحاتی درباره معماری ملی‌گرایی آورده شده است:

#### جدول ۲- معرفی سبک ملی‌گرایی

معماری ملی‌گرایی به طراحی و ساخت بناهایی می‌پردازد که بازتاب‌دهنده هویت ملی و فرهنگی یک کشور یا منطقه است. این سبک با بهره‌گیری از عناصر و ویژگی‌های معماری سنتی و تاریخی محلی، سعی دارد تا مفاهیم ملی و فرهنگی را در معماری معاصر به تصویر بکشد. ویژگی‌های اصلی آن شامل استفاده از الگوهای بومی، تزئینات سنتی، و مواد و فنون محلی است.	تعریف و ویژگی‌ها
عناصر مشخص معماری در بناها نظیر ستون‌ها، پایه ستون‌ها، پنجره‌ها، پلکان ورودی‌ها، قوس‌ها و دهانه‌ها	عناصر مشخص
عناصر تزئینی نظیر نقوش برجسته، حجاری‌ها، مجسمه‌ها، سرستون‌های گاو، گل‌لوتوس و کنگره‌ها	عناصر تزئینی

#### ۴-۲- معرفی معمار

آندره گدار (André Godard) - (۱۸۸۱-۱۹۶۵)، معمار و باستان‌شناس فرانسوی، یکی از چهره‌های برجسته‌ای است که در احیای میراث فرهنگی و معماری ایران در اوایل قرن بیستم نقش بسزایی داشت. او به عنوان مدیر اداره باستان‌شناسی ایران، آثار مهمی از جمله موزه ایران باستان، آرامگاه فردوسی، و دانشکده هنرهای زیبا را طراحی و اجرا کرد. گدار با تأثیرگذاری بر معماری معاصر ایران، میراثی ماندگار از خود برجای گذاشت.

وی در سال ۱۸۸۱ در شهر کان فرانسه به دنیا آمد. او تحصیلات خود را در رشته معماری در مدرسه عالی هنرهای زیبای پاریس (École des Beaux-Arts) به پایان رساند. گدار در سال‌های تحصیل تحت تأثیر معماری کلاسیک و باستانی قرار گرفت، که این تأثیرات بعدها در پروژه‌های او در ایران به وضوح مشاهده شد. او با بهره‌گیری از آموزش‌های خود در این نهاد معتبر، به یکی از برجسته‌ترین معماران و باستان‌شناسان در زمینه حفظ و مرمت آثار باستانی تبدیل شد، که بعدها تأثیر عمده‌ای در کارهای او در ایران داشت. قبل از ورود به ایران، او در زمینه مرمت و حفاظت از آثار باستانی در کشورهای مختلفی از جمله در سوریه و مصر فعالیت می‌کرد. (Godard، 1965 و pope، 1939)

آندره گدار در اوایل قرن بیستم به سوریه رفت و به عنوان باستان‌شناس و مرمت‌گر مسئول پروژه‌های مرمتی و باستان‌شناسی شد. یکی از پروژه‌های برجسته او، مرمت و بازسازی (بناهای تاریخی پالمیرا) بود.

پالمیرا (Palmyra) یکی از مهم‌ترین و باستانی‌ترین سایت‌های باستان‌شناسی در سوریه بود. آندره گدار در مرمت و بازسازی بناهای باستانی این شهر مشارکت داشت. او به خصوص در حفاظت و بازسازی معابد و تئاتر پالمیرا نقش داشت که نمونه‌ای از معماری و فرهنگ دوران باستان را به نمایش می‌گذارد. (Godard، 1934) گدار به مرمت و حفاظت از دیگر آثار باستانی سوریه نیز پرداخت. این پروژه‌ها شامل بررسی و بازسازی ساختارهای معماری مختلف بود. او تکنیک‌های مدرن مرمت را با توجه به شرایط و مواد محلی به کار برد. (Brosius، 1936) همچنین گدار با نهادهای محلی و بین‌المللی در زمینه باستان‌شناسی همکاری کرد. این همکاری‌ها شامل تبادل دانش و تجربیات با دیگر باستان‌شناسان و مرمت‌گران بود، که به بهبود روش‌های مرمت و حفاظت از میراث فرهنگی کمک کرد. (Dussart، 1937).

آندره گدار در دوره فعالیت‌های خود در مصر، به عنوان باستان‌شناس و مرمت‌گر در پروژه‌های مهمی از جمله مرمت هرم‌های مصر و دیگر آثار باستانی این کشور مشارکت داشت. او با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مرمت، به حفاظت و بازسازی این آثار ارزشمند پرداخت و تجربه‌های زیادی در زمینه باستان‌شناسی به دست آورد.

در مرمت هرم‌های مصر به ویژه هرم خوفو و هرم خفرع نقش مهمی ایفا کرد. او به کار بر روی ساختارهای پیچیده این هرم‌ها پرداخت و تلاش‌های زیادی برای حفظ و تقویت ساختارهای قدیمی و آسیب‌دیده به عمل آورد. این پروژه‌ها به دلیل اندازه و پیچیدگی ساختار هرم‌ها و اهمیت تاریخی آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. (Schoch، 1933) همچنین در مرمت و بازسازی معابد باستانی مصر، از جمله معبد کهنه در کوم امبو و معبد دندره، فعالیت کرد. او تکنیک‌های مدرن مرمت را با توجه به ویژگی‌های خاص معماری مصری به کار برد و به حفظ و تقویت جزئیات معماری و هنری این معابد پرداخت. (Godard، 1932)

این فعالیت‌ها و تجربیات به گدار کمک کرد تا مهارت‌های تخصصی و علمی خود را در زمینه مرمت و حفاظت از آثار باستانی تقویت کند و به یکی از پیشگامان این حوزه در دوران خود تبدیل شود. او همچنین در مدیریت، مشارکت و تأسیس نهاد های باستان‌شناسی نقش مهمی را ایفا کرد.

#### ۴-۲-۱- ورود به ایران

در سال ۱۹۲۸، آندره گدار به دعوت دولت رضاشاه پهلوی به ایران سفر کرد. هدف اصلی از این دعوت، ارتقاء و حفاظت از میراث فرهنگی و باستانی ایران بود. گدار به عنوان مدیر اداره کل باستان‌شناسی ایران منصوب شد و نقش اساسی در حفظ و بازسازی آثار باستانی کشور ایفا کرد. او همچنین در طراحی و اجرای پروژه‌های کلیدی نظیر موزه ایران باستان، آرامگاه فردوسی و دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران مشارکت داشت. موزه ایران باستان، که به بررسی دقیق‌تر معماری آن در ادامه پرداخته خواهد شد، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های گدار بود و در سال ۱۳۱۶ خورشیدی افتتاح شد. طراحی این موزه با الهام از طاق کسری دوران ساسانی انجام شد و به عنوان نمونه‌ای برجسته از معماری کلاسیک و باستانی در ایران به شمار می‌آید. در اوایل قرن بیستم، ایران تحت سلطنت رضاشاه پهلوی در حال تجربه تغییرات و اصلاحات اساسی بود. رضاشاه به منظور مدرن‌سازی کشور و تقویت موقعیت بین‌المللی ایران، توجه ویژه‌ای به توسعه و تقویت زیرساخت‌های علمی و فرهنگی معطوف داشت. باستان‌شناسی و مرمت آثار تاریخی به دلیل اهمیت فرهنگی و هویتی آن برای کشور، در این برنامه‌های اصلاحی جایگاه ویژه‌ای داشت.

از این رو دولت پهلوی به دنبال جذب کارشناسان برجسته بین‌المللی بود تا به بهبود وضعیت باستان‌شناسی و مرمت در کشور کمک کنند. آندره گدار، با تخصص و تجربه‌های گسترده‌ای که در زمینه مرمت و باستان‌شناسی داشت، به عنوان گزینه‌ای مناسب برای این مأموریت شناسایی شد. دعوت از گدار به منظور ارتقای سطح علمی و حرفه‌ای باستان‌شناسی در ایران و ایجاد یک نظام منظم برای حفاظت از آثار باستانی انجام شد. (Pope، 1931) در جدول سه به صورت مختصر به برخی از این فعالیت‌ها پرداخته می‌شود.

#### جدول ۳- معرفی برخی از فعالیت‌های آندره گدار در ایران

مدیریت اداره کل باستان‌شناسی ایران	گدار در سال ۱۳۰۶-۱۹۲۸ به عنوان مدیر اداره کل باستان‌شناسی ایران منصوب شد. در این مقام، او به سازمان‌دهی و نظارت بر پروژه‌های باستان‌شناسی و مرمت در ایران پرداخت و به تأسیس نظام‌مند پژوهش‌های باستان‌شناسی کمک کرد. (Pope، 1931)
همکاری با یونسکو	در دوره فعالیت‌های خود در ایران، گدار به همکاری با سازمان یونسکو در زمینه حفظ و حفاظت از میراث فرهنگی مشغول شد. این همکاری‌ها شامل تبادل دانش و تجربیات با دیگر باستان‌شناسان و سازمان‌های بین‌المللی بود. (Wright، 1933)
تأسیس و مشارکت در مؤسسات علمی	گدار به تأسیس و مشارکت در مؤسسات علمی و آموزشی مرتبط با باستان‌شناسی پرداخت. او به ویژه در تأسیس دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران نقش داشت، که به تربیت نسل جدیدی از باستان‌شناسان و معماران کمک کرد.
تأسیس موزه ایران باستان	گدار به طراحی و تأسیس موزه ایران باستان کمک کرد، که به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی و باستان‌شناسی در ایران شناخته می‌شود. این موزه به حفظ و نمایش آثار باستانی ایران کمک کرد و به عنوان یک مرکز تحقیقاتی و آموزشی برجسته عمل کرد.

همچنین گدار نقش کلیدی در بازسازی و حفاظت از تخت جمشید (پرسپولیس) در دوره فعالیت‌هایش در ایران ایفا کرد. این پروژه بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر او برای حفظ و معرفی میراث باستانی ایران به شمار می‌آید. تخت جمشید، یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین آثار باستانی ایران و جهان، در دوران هخامنشیان ساخته شد و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین مجموعه‌های معماری باستانی شناخته می‌شود. در اوایل قرن بیستم، به دلیل عوامل طبیعی و انسانی، این سایت باستانی دچار آسیب‌های زیادی شده بود و نیازمند بازسازی و مرمت جدی بود.

در سال ۱۹۲۸، با ورود آندره گدار به ایران، پروژه‌های باستان‌شناسی و مرمتی به ویژه در تخت جمشید در دستور کار قرار گرفت. گدار، با توجه به تخصص و تجربه‌اش در مرمت آثار باستانی، به بررسی وضعیت فعلی تخت جمشید پرداخت و طرح‌هایی برای مرمت و حفاظت از این مجموعه تهیه کرد. او به عنوان مدیر اداره کل باستان‌شناسی ایران، نظارت بر پروژه‌های مرمتی در

تخت جمشید را بر عهده داشت و به تقویت روش‌های علمی و تکنیکی در این زمینه توجه ویژه‌ای کرد. (Pope, 1931) او با استفاده از مستندات تاریخی، آثار باقی‌مانده و نقشه‌های باستانی، تلاش کرد تا آسیب‌های وارد شده را به حداقل برساند و ساختارهای اصلی را به حالت اولیه خود بازگرداند. این شامل مرمت ستون‌ها، بازسازی دیوارها و حفظ جزئیات معماری پیچیده مجموعه بود. (Reinach, 1934) تلاش‌های او در این زمینه باعث شد تا توجه جهانی به میراث فرهنگی ایران افزایش یابد و به توسعه پژوهش‌های باستان‌شناسی و مرمتی در کشور کمک کند.



شکل ۱ و ۲- تصاویری از آندره گدار در بازسازی تخت جمشید (مأخذ: Alexander Nagel, ۲۰۲۳)

### ۳-۴- معرفی کلی سه نمونه موردی

در این پژوهش، با توجه به تنوع و گستردگی فعالیت‌های طراحی و اجرای آندره گدار در زمینه‌های مختلف شهرسازی، طراحی فضای سبز، فضاهای عمومی و خصوصی، تلاش شده است تا به تحلیل و بررسی جامع و عمیق آثار ایشان پرداخته شود. هدف این تحقیق نمایش ابعاد نظری و روند طراحی گدار به طور کامل است. به همین منظور، پروژه‌های موزه ایران باستان، موزه آذربایجان و بنای حافظیه به عنوان نمونه‌های کلیدی انتخاب شده‌اند. در جدول شماره چهار، اطلاعات مختصری از پیشینه و مشخصات این پروژه‌ها ارائه شده است تا ابعاد مختلف طراحی و تأثیرات آنها به طور دقیق بررسی گردد.

### جدول ۴- معرفی نمونه موردی ها

نام پروژه	تصویر	مکان	سال ساخت	تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی	الهام از	دوره مقارن معماری
موزه ایران باستان		تهران	۱۳۱۳ ه.ش	حکومت پهلوی به پادشاهی رضا پهلوی	طاق کسری	معماری سبک آرت دکو
موزه آذربایجان		تبریز	۱۳۳۷ ه.ش	حکومت پهلوی به پادشاهی محمد رضا پهلوی	معماری محلی در آذربایجان	معماری بین المللی
بنای یادبود حافظ		شیراز	۱۳۱۳-۱۳۱۴ ه.ش	حکومت پهلوی به پادشاهی رضا پهلوی	تفکر و سده زندگی حافظ	معماری سبک آرت دکو

### ۳-۴-۱- موزه ایران باستان

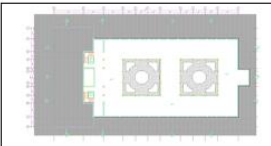
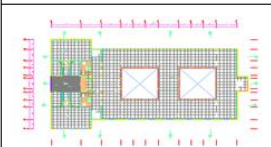
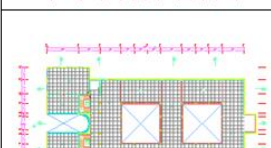
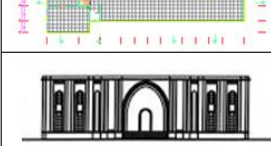


موزه ایران باستان، که در سال ۱۳۱۶ خورشیدی (۱۹۳۷ میلادی) افتتاح شد، یکی از پروژه‌های مهم آندره گدار در ایران بود. این موزه به عنوان مرکز اصلی نمایش آثار باستانی ایران و برای حفاظت از میراث فرهنگی کشور طراحی و ساخته شد. در دهه اول ۱۳۰۰ هجری شمسی، با روی کار آمدن دولت جدید پهلوی و نیاز فزاینده به ساخت بناهای دولتی، زمین‌های حاشیه میدان مشق سابق به عنوان محل‌های مناسب برای احداث چندین پروژه مهم تعیین شدند. این پروژه‌ها شامل ساخت ادارات مختلف مانند اداره پست، ساختمان شهرداری، وزارت امور خارجه، غرب سردر باغ ملی، و همچنین موزه و کتابخانه ملی بود. (باور، ۵۲، ۱۳۷۹) میدان مشق در دوران فتحعلی‌شاه قاجار به عنوان محل استقرار و تمرین سربازان قزاق تهران تأسیس شد و همچنین به نام باغ ملی نیز شناخته می‌شود. این میدان دارای پیشینه‌ای غنی از وقایع سیاسی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و هنری است. از رویدادهای مهم تاریخی که در این میدان به وقوع پیوسته است می‌توان به اعدام میرزا رضای کرمانی، قاتل ناصرالدین‌شاه، در سال ۱۳۱۴ قمری و نیز پرواز بالن در اواخر دوره قاجار اشاره کرد. همچنین، در دوران جنگ جهانی اول، هواپیمای بلریو به خلبانی کوزمینسکی، تبعه لهستانی (روسیه)، در سال ۱۳۱۴ قمری در این میدان به زمین نشست و آن را به عنوان اولین فرودگاه ایران و نخستین فرود هوایی در تاریخ کشور ثبت کرد. (کیانی، ۱۳۸۵: ۶۵)

### ۳-۴-۱-۱- معماری موزه ایران باستان

معماری موزه ایران باستان به صورت مکعب مستطیلی طراحی شده است که به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: فضای ورودی، فضای نمایش آثار و فضای اداری. ورودی اصلی موزه با استفاده از طاق بزرگ ساسانی مشخص شده که به وضوح فضای

ورودی را تعریف می‌کند و دیوارهای خارجی آن با آجرچینی قرمز به سبک قصرهای فیروزآباد تزئین شده است. این طراحی به موزه عظمت و ابهت خاصی بخشیده و آن را به عنصر برجسته‌ای در مجموعه شهری تبدیل کرده است. ویژگی منحصر به فرد این طراحی، فرو رفتگی ورودی موزه است که به طور استراتژیک ورودی‌های فرعی جانبی را در بر می‌گیرد و بازدیدکنندگان را به سالن‌های بزرگ هدایت می‌کند. این طراحی، مقیاس و تناسب میان حجم گسترده و ورودی اصلی را به شکلی مؤثر به نمایش می‌گذارد. پلکان‌های ورودی و صفه‌ای که سطح سالن همکف موزه را تعریف می‌کند. (باور، ۱۳۷۹: ۵۵) گذار به ویژگی‌های خاص طراحی مانند فرو رفتگی‌های ورودی موزه و نحوه هدایت بازدیدکنندگان به سالن‌های داخلی اشاره کرده است.

این طراحی به نوعی مقیاس و تناسب میان حجم کل و ورودی‌های جانبی را به نمایش می‌گذارد و حس توزیع فضایی را بهبود می‌بخشد. سقف سیلندری موزه، به خوبی با دیوارهای روبرو پیوند

	پلان زیرزمین (بدون بخش اداری)
	پلان طبقه همکف (بدون بخش اداری)
	پلان طبقه اول (بدون بخش اداری)
	نمای جنوبی
	نمای شمالی
	نمای شرقی با پرتش طولی

خورده و طاق‌های آجری برجسته به شکل تسمه‌هایی که از جرزها بالا رفته‌اند و شیارهایی در سطح سیلندری سقف ایجاد کرده‌اند، به نحوه توزیع نیروها و ایستایی سازه کمک می‌کنند. گذار به طور خاص بر همبستگی میان فرم و فناوری معماری تأکید کرده و طراحی را به گونه‌ای تنظیم کرده است که یک کالبد یکپارچه و همگن را به نمایش بگذارد. (Godard, 1932) حجم بزرگ مستطیلی شکل موزه، به ابعاد  $34 \times 100$  متر، شامل سه بخش اصلی فضای ورودی، فضای نمایش اشیا و فضای اداری است. نمای جانبی این حجم با شکستگی‌هایی طراحی شده که طول آن را به تعادل می‌رساند. سالن اصلی موزه، با طول ۶۱ متر و عرض ۲۴ متر، به مساحت دو هزار متر مربع، دو نورگیر داخلی به ابعاد  $16 \times 16$  متر

دارد که نور مناسبی برای فضای سالن فراهم می‌آورد. پنجره‌های باریک و بلند در دیواره‌های شرقی و غربی ریتمی یکنواخت و تکراری در سطح دیوار ایجاد کرده و به همراه نورگیرهای داخلی، نور کافی برای نمایش اشیا تأمین می‌کنند. سالن اصلی در دو طبقه ادامه دارد که توسط دو راه‌پله بزرگ به یکدیگر متصل می‌شوند. به طور کلی، کالبد معماری موزه دارای عظمتی کلاسیک و باستانی است که هویت موزه را

#### جدول ۵- مدارک موجود از موزه ایران باستان

به خوبی حفظ کرده و آن را به عنوان یک بنای یادمانی معتبر معرفی می‌کند. آندره گذار در طراحی این بنا بیشتر بر ابعاد امپرسیونیستی و تأکید بر عظمت و یادمانی بودن آن تمرکز داشته و توجه زیادی به نورپردازی و عملکرد داخلی نداشته است. بنا بر روی سکویی از سنگ تراورتن سفید به ارتفاع یک متر و نیم از سطح خیابان قرار گرفته و این سنگ سفید به صورت قرنیز ضخیمی که بالای ساختمان را مشخص می‌کند، به کار رفته است. جرزهای آجری دیوارهای خارجی از روی این سکو تا زیر قرنیز ادامه یافته و جان‌پناه آجری با ارتفاع ۱۲ متر، بنا را به پایان می‌رساند. گذار با تمرکز بر امپرسیون (Impressionism) در معماری و هنر به سبک و رویکردی اشاره دارد که بر اساس ایجاد تأثیر بصری و احساسی، به جای دقت و جزئیات دقیق، شکل گرفته است (نمای خارجی و جزئیات آجرچینی را با دقت طراحی کرده و عملکرد داخلی را به طور ساده و کاربردی پیاده‌سازی کرده است). (باور، ۱۳۷۹: ۵۵) در جدول شماره پنج مدارک معماری موزه ایران باستان به نمایش گذاشته شده است.

ورودی و نمای موزه ایران باستان با الهام از سبک معماری ایوان کسری طراحی شده است. ایوان کسری، که بخشی از کاخ مشهور تیسفون، پایتخت دولت ساسانی بود، ویژگی‌های خاصی داشت؛ از جمله ارتفاع ۳۵ متر، عرض ۵۰ متر و عمق ۲۵ متر. رنگ آجرهای به کار رفته در نمای موزه نیز با دقت به رنگ سرخ تیره انتخاب شده است تا بازتاب‌دهنده معماری ساسانی باشد. موزه ایران باستان با زیربنایی حدود ۱۱،۰۰۰ متر مربع طراحی شده که ساختمان اصلی آن شامل سه طبقه می‌باشد. طراحی این بنا توسط دو معمار فرانسوی، آندره گذار و ماکسیم سیرو، انجام گرفت و الهام‌بخش اصلی آنها کاخ کسری در تیسفون دوره ساسانی بود. (روحانی، ۱۳۸۵)



شکل ۳ و ۴: تصاویری از موزه ایران باستان (مأخذ: نگارندگان)

#### ۴-۳-۲- موزه آذربایجان

موزه آذربایجان، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های معماری آندره گدار در ایران، در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی (۱۹۵۷ میلادی) در شهر تبریز ساخته شد. این موزه به منظور حفظ و نمایش آثار باستانی، تاریخی و فرهنگی منطقه آذربایجان تأسیس گردید. طراحی بنای موزه توسط آندره گدار، معمار و باستان‌شناس برجسته فرانسوی، به همراه ماکسیم سیرو انجام شد. موزه آذربایجان از نظر معماری به دلیل ترکیب سبک‌های معماری مدرن و سنتی ایرانی قابل توجه است. این بنا دارای حجمی مستطیل شکل با فضاسازی‌های ساده و خطوط تمیز است که با الهام از اصول معماری ایرانی طراحی شده است. در عین حال، گدار در طراحی این موزه تلاش کرده است تا از جزئیات پیچیده پرهیز کند و بیشتر به عملکرد و فضاهای داخلی توجه داشته باشد. موزه دارای سه طبقه است که در آن اشیاء باستانی و تاریخی آذربایجان، از جمله آثار مربوط به دوران قبل و بعد از اسلام، به نمایش گذاشته شده است. این موزه نه تنها به دلیل نمایش آثار مهم باستانی منطقه بلکه به دلیل معماری خاص و هماهنگی آن با محیط شهری تبریز، یکی از نمونه‌های بارز تلفیق سنت و مدرنیته در معماری ایران به شمار می‌رود. (کیانی، ۱۳۸۳)

#### ۴-۳-۱- معماری موزه آذربایجان

طراحی کلی ساختمان: موزه آذربایجان در سه طبقه ساخته شده است. نمای بیرونی موزه با استفاده از سنگ و آجر طراحی شده که در معماری سنتی آذربایجان مرسوم بوده است. استفاده از سنگ‌های سفید و خاکستری و ایجاد الگوهای هندسی منظم، تأثیرپذیری از معماری دوران پهلوی و هنرهای اسلامی را نشان می‌دهد.

فضای داخلی: فضای داخلی موزه به‌طور هنرمندانه‌ای تقسیم شده است. در طبقه همکف و زیرزمین، مجموعه‌های باستان‌شناسی و تاریخی قرار دارند. در این بخش، آثار به‌جا مانده از دوره‌های مختلف تاریخی منطقه آذربایجان به نمایش درآمده است. این فضاها به نحوی طراحی شده که بازدیدکنندگان بتوانند با گردش آزاد در محیط، مسیر تاریخی تمدن‌های این منطقه را دنبال کنند.

نورپردازی: یکی از ویژگی‌های برجسته معماری داخلی موزه، استفاده هوشمندانه از نور طبیعی و مصنوعی است. پنجره‌های بزرگ و نورگیرهایی که در سقف‌ها تعبیه شده‌اند، نور طبیعی را به داخل فضاهای نمایشگاهی هدایت می‌کنند. نورپردازی مصنوعی نیز با دقت طراحی شده تا جلوه‌ای ویژه به آثار هنری و تاریخی ببخشد.

تالارهای موزه: هر تالار موزه آذربایجان به یک دوره تاریخی یا موضوع خاص اختصاص داده شده است. این بخش‌بندی دقیق به بازدیدکنندگان امکان می‌دهد تا درک بهتری از سیر تاریخی منطقه پیدا کنند. در این تالارها، طراحی دیوارها و چیدمان آثار با دقت خاصی انجام شده است تا توجه بازدیدکنندگان به جزئیات تاریخی جلب شود.

سقف و تزئینات داخلی: سقف‌های بلند و طراحی‌های گچ‌بری که به سبک اسلامی و ایرانی انجام شده‌اند، شکوه و جلال خاصی به ساختمان موزه بخشیده‌اند. این تزئینات، تلفیقی از هنرهای سنتی ایرانی-اسلامی و مدرنیسم معماری قرن بیستم را به نمایش می‌گذارد.



شکل ۵ و ۶- تصاویری از موزه آذربایجان (مأخذ: ذرین: مکان‌های دیدنی آذربایجان شرقی)

#### ۴-۳-۳- بنای یادبود حافظ

بنای یادبود حافظ، طراحی شده توسط معمار فرانسوی آندره گدار، یکی از آثار برجسته معماری مدرن در ایران است که به بزرگداشت حافظ شیرازی، شاعر بزرگ ایرانی، اختصاص دارد. این بنا در سال ۱۹۳۵ میلادی تکمیل شد و در کنار آثار تاریخی دیگر حافظیه، به دلیل طراحی خاص و نوآورانه خود، توجه بسیاری را جلب کرده است.



#### ۴-۳-۱- تاریخچه آرامگاه حافظ

دوران اولیه و مقبره‌های ابتدایی: حافظ شیرازی در قرن چهاردهم میلادی (قرن هشتم هجری) زندگی می‌کرد و در سال ۱۳۹۰ میلادی درگذشت. پس از مرگ حافظ، مقبره‌های ابتدایی برای او ساخته شد که در ابتدا از مصالح ساده و با طراحی ابتدایی بود. این مقبره در دوران تیموریان، که به خاطر توجه به ادبیات و هنرهای مختلف شناخته می‌شوند، به عنوان یک مکان زیارتی مورد توجه قرار گرفت. در این دوره، مقبره حافظ به تدریج به یک مکان مقدس و زیارتی برای علاقه‌مندان به شعر و ادب تبدیل شد. (ورجواند، ۱۳۸۳)

دوران صفوی و قاجار: در دوران صفویان (قرن شانزدهم میلادی) و سپس در دوره قاجاریه (قرن نوزدهم میلادی)، مقبره حافظ بهبودهایی در طراحی و ساخت آن تجربه کرد. در دوران قاجار، ناصرالدین شاه قاجار به تعمیر و تجدید بنا پرداخته و ساختار آن را با توجه به اصول معماری آن زمان تغییر داد. در این دوران، آرامگاه حافظ به‌طور قابل توجهی توسعه یافته و با تزئینات جدیدی از جمله گنبد و ستون‌های زیبا، به یک مکان مهم فرهنگی و مذهبی تبدیل شد. (پیرنیا، ۱۳۷۷)

پروژه‌های بازسازی و طراحی معاصر: در اوایل قرن بیستم، پروژه‌های جدیدی برای بهبود و بازسازی آرامگاه حافظ آغاز شد. یکی از مهم‌ترین پروژه‌ها، طراحی بنای یادبود حافظ توسط معمار فرانسوی، اندره گدار، در سال ۱۹۳۵ میلادی بود. این پروژه به عنوان یک طراحی مدرن و مینیمالیستی به آرامگاه حافظ افزوده شد و نمای جدیدی به آن بخشید. طراحی اندره گدار شامل ساختار مدور و گنبدی از سنگ‌های مرمر سفید بود که با سبک مدرن و ساده خود، به آرامگاه حافظ شخصیت و هویت جدیدی بخشید. (اندرو نیکولز، ۱۳۹۳)

تأثیرات فرهنگی و گردشگری: در دهه‌های اخیر، آرامگاه حافظ به یکی از جاذبه‌های گردشگری مهم در ایران تبدیل شده است. این مکان نه تنها به خاطر ارزش تاریخی و معماری‌اش، بلکه به دلیل اهمیت فرهنگی و ادبی حافظ، به مقصدی مهم برای گردشگران داخلی و خارجی تبدیل شده است. همچنین، تلاش‌های مستمری برای حفظ و نگهداری این بنا انجام می‌شود تا میراث فرهنگی و ادبی حافظ به نسل‌های آینده منتقل شود. (شهبازی، ۱۳۹۹)

آرامگاه حافظ، با تاریخچه پیچیده و تطورات مختلف در طول زمان، نمایانگر ارزش‌های فرهنگی و ادبی عمیق ایران است و همچنان به عنوان یک مرکز فرهنگی و گردشگری مهم در شیراز شناخته می‌شود.

#### ۴-۳-۲- معماری آرامگاه حافظ

طرح و ساختار: بنای یادبود حافظ به‌ویژه به خاطر طراحی مدرن و مینیمالیستی‌اش شناخته می‌شود. اندره گدار، معمار برجسته فرانسوی، این پروژه را با هدف ایجاد یک ساختار ساده و در عین حال زیبا به انجام رساند. طراحی او شامل یک ساختمان مدور و یک گنبد کوچک است که بر روی مقبره حافظ قرار دارد. این طراحی به صورت مدرن و انتزاعی از اصول معماری سنتی ایرانی الهام گرفته شده است. گدار سعی کرده است تا با حفظ احترام به شخصیت حافظ، طراحی‌ای متناسب با روح زمانه خود ارائه دهد. (اندرو نیکولز، ۱۳۹۳)

مواد و ساختار: استفاده از مصالح باکیفیت در طراحی این بنا از ویژگی‌های بارز آن است. ساختار اصلی بنا از سنگ‌های مرمر سفید ساخته شده که جلوه‌ای روشن و مینیمالیستی به آن بخشیده است. طراحی داخلی بنا نیز با خطوط ساده و فضای باز همراه است که به بیننده احساس آرامش و تأمل می‌دهد. (شیمیدو، ۱۳۹۶)

محیط و فضای اطراف: بنای یادبود حافظ در محوطه‌ای وسیع و سرسبز واقع شده است که به خوبی با معماری مدرن بنا هم‌خوانی دارد. فضای اطراف شامل باغ و حوض‌های آب است که به زیبایی و آرامش محیط افزوده است. طراحی محیطی این بنا نیز تحت تأثیر اصول مدرن و هماهنگی با ساختار اصلی قرار دارد. (کاترین، ۱۳۹۷) در جدول زیر به بررسی برخی از ویژگی‌های این بنا اشاره می‌شود.

#### جدول ۶- ویژگی‌های آرامگاه حافظ

طرح هشت‌ضلعی	آرامگاه حافظیه به شکل هشت‌ضلعی طراحی شده که این طرح، در فرهنگ ایرانی نمادی از کامل بودن و هماهنگی است. در مرکز این هشت‌ضلعی، مقبره حافظ به صورت ساده و باشکوه قرار دارد. (پیرنیا، ۱۳۷۷)
ستون‌ها و سقف	بنای حافظیه دارای ستون‌های سفید رنگ و سقف گنبدی است که بر زیبایی و استحکام بنا افزوده است. گنبد آرامگاه با کاشی‌های رنگارنگ و زیبا تزئین شده که نمای جذابی به ساختمان بخشیده است. (انصاری، ۱۳۸۰) همچنین گنبد این بنا از کلاه درویشان الهام گرفته شده و تعداد ستون‌ها نمایانگر سده زندگی حافظ است.



شکل ۷ و ۸: تصاویری از حافظیه (مأخذ: گردشگری ایران، ۱۳۹۴)

## ۵- نتیجه گیری

اندره گدار، معمار فرانسوی، با آثار خود در ایران تأثیر قابل توجهی بر معماری مدرن ایرانی برجای گذاشت. تحلیل و بررسی آثار وی به روشنی نمایانگر تأثیرات عمیق و متنوع طراحی‌های او در بافت تاریخی و فرهنگی ایران است.

- ادغام مدرنیسم و سنت: آثار اندره گدار در ایران به طور مؤثری اصول مدرن را با احترام به سنت‌های فرهنگی ایرانی ادغام کرده و الگویی منحصر به فرد در معماری معاصر ایجاد کرده است. طراحی‌های او نه تنها به نیازهای معاصر پاسخ داده بلکه به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی ایران نیز ارج نهاده است. این هماهنگی میان مدرنیسم و سنت به ویژه در بنای یادبود حافظ به وضوح دیده می‌شود، جایی که طراحی‌های مدرن به شیوه‌ای هماهنگ و حساس به تاریخ و فرهنگ حافظ پیوند خورده است.

- پیشرفت در طراحی و ساخت: آثار گدار نه تنها از نظر طراحی بلکه از نظر فن‌آوری ساخت و استفاده از مصالح نوین نیز پیشگام بودند. موزه آذربایجان و کتابخانه ملی ایران در کنار موزه ایران باستان نمونه‌هایی از این پیشرفت هستند که در آن‌ها تکنیک‌های مدرن ساخت و مواد نوآورانه با طراحی‌های پیچیده و زیبایی معماری تلفیق شده است. این آثار، استانداردهای جدیدی را در معماری مدرن ایران معرفی کردند و به ارتقاء کیفیت طراحی و ساخت کمک کردند.

- تأثیرات فرهنگی و اجتماعی: آثار گدار به طور قابل توجهی بر محیط فرهنگی و اجتماعی ایران تأثیر گذاشتند. طراحی‌های او نه تنها به تقویت هویت فرهنگی و ملی ایران کمک کردند، بلکه باعث جذب توجهات بین‌المللی به معماری ایرانی شدند. این تأثیرات فرهنگی و اجتماعی در موزه ایران باستان و موزه آذربایجان همچنین حافظیه به وضوح دیده می‌شود، جایی که این بناها به عنوان مراکز فرهنگی مهم و نمادهایی از پیشرفت معماری مدرن در ایران شناخته می‌شوند.

در مجموع، بررسی آثار اندره گدار در ایران نشان می‌دهد که او با رویکردی نوآورانه و دقیق، توانسته است به ترکیبی از مدرنیسم و سنت دست یابد که به ارتقاء معماری مدرن ایرانی کمک کرده و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی مثبتی برجای گذاشته است. آثار او به عنوان نمونه‌های برجسته از توانمندی‌های معماری و فرهنگی، همچنان مورد احترام و توجه قرار می‌گیرند.

## منابع

۱. انصاری، عبدالله، (۱۳۸۰). «معماری اسلامی ایران»، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز
۲. ایت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، «ایران، تاریخ هنر»، انتشارات بین‌المللی المهدیف چاپ اول، تهران.
۳. باور، سیروس (۱۳۷۹). موزه ایران باستان. معماری و فرهنگ شماره ۷، ص ۵۲ و ۵۳.
۴. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۳)، «معماری اسلامی ایران»، تهران: نشر معمار.
۵. روحانی، بیژن (۱۳۸۵). آغاز مدرنیسم در معماری تهران. مجله ویستا
۶. زرین، سایت مکان‌های دیدنی آذربایجان
۷. سایت گردشگری ایران، (۱۳۹۴)
۸. شجاعی مها، مجید شجاعی، زهرا یزدانیان، مبینا زاهدیان (۱۴۰۳). «رویکرد تحلیلی بر معماری ملی‌گرایی»، نشریه معماری سبز سال دهم، شماره دو
۹. شهبازی، محمود (۱۳۹۹)، «فرهنگ و ادبیات ایرانی»، انتشارات فرهنگ معاصر
۱۰. کیانی مصطفی، (۱۳۸۳)، «تأثیرات باستان‌گرایی بر معماری دوره پهلوی اول»، تهران، تاریخ معاصر ایران
۱۱. ورجاوند، پرویز (۱۳۸۳)، «تاریخچه حافظیه»، انتشارات علمی و فرهنگی
12. Alexander Nagel (2023), "Chapter Six - Concluding Contemplations.
13. Godard, André. "Personal Reflections on the Restoration of Persepolis," Iranian Cultural Review, 1936
14. Pope, Arthur Upham. "André Godard and the Restoration of Persepolis," Archaeological Journal, 1931
15. Julia Catherine, (2019) "Gardens and Public Spaces in Modern Architecture" Publisher: University of California Press
16. Pierre Schimido, (2018) "Modern Iranian Architecture and Foreign Works" Publisher: Architecture Gallery Publication
17. Andrew Nichols, (2015) "Modern Architecture in Iran" Publisher: Oxford University Press
18. Dussart, Marie-José. "The Work of André Godard in Syria: Collaboration and Innovation," Syria: Revue d'Archéologie, 193
19. Reinach, Salomon. "André Godard's Restoration Techniques at Persepolis," Journal of Persian Studies, 1934
20. Brosius, Maria. "Ancient Buildings of Syria and the Work of André Godard," Journal of Near Eastern Studies, 1936.
21. Schoch, Walter A. (1933) "Restoration of the Pyramids of Egypt: The Case of the Great Pyramid of Khufu and the Pyramid of Khafre." Journal of Egyptian Archaeology, vol. 19, pp. 56-78